



سال هشتم / بهار ۱۳۹۸

اینترنت؛ خاطره جمعی و هویت شهری

• فرزاد غلامی^۱

چکیده

اهمیت خاطره جمعی به اندازه‌ای است که برخی خاطرات جمعی را مصداق تاریخ یک جامعه می‌دانند، خاطره جمعی در تلاقی سه مفهوم مکان، زمان و رویداد جمعی شکل می‌گیرد، بنابراین شهرها می‌توانند بستری برای شکل‌گیری خاطرات جمعی باشند، اما امروزه فضاهای شهری به گونه‌ای است که المان‌هایی که خاطرات جمعی را یادآوری می‌کنند روز به روز کمتر می‌شوند، در این فضا رسانه‌های جمعی می‌توانند کالبدی برای برساخته شدن و بازتولید خاطرات جمعی باشند، هدف این پژوهش مطالعه نقش اینترنت در تغییر خاطرات جمعی در شهر تهران است، به عبارتی سؤالات پژوهش عبارتند از: مطابق نظر کاربران تهرانی، اینترنت باعث چه تغییراتی در مفهوم خاطره جمعی می‌شود؟ آیا نمود خاطرات در فضای مجازی می‌تواند باعث تقویت بعد هویت شهری آنان شود؟ برای پاسخ به این سؤالات با استفاده از روش مصاحبه عمقی با ۲۸ نفر از دانشجویان تهرانی دانشگاه تهران مصاحبه عمقی انجام شده است، یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که در عصر اینترنت با تغییراتی چون فرامکانی شدن، فرامانی شدن، سهولت در اجتماعی شدن، افزایش دوام و ماندگاری خاطرات جمعی مواجه می‌شویم و البته از نظر مصاحبه‌شوندگان فضای مجازی به عنوان بستری برای خاطرات جمعی هم می‌تواند باعث تقویت خصلت مدنیت شهر شود و هم باعث بازتولید خاطره تخصص‌های گروهی شود، در نهایت باید گفت مصاحبه‌شوندگان نقش فضای مجازی در بازتولید و برساختن خاطرات را باعث تقویت هویت شهری خود می‌دانستند.

واژگان کلیدی: خاطره جمعی، فضای مجازی، مکان، زمان، هویت شهری،

^۱ دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، Farzadgholami@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

مفهوم مکان یکی از مفاهیمی است که به خاطره جمعی گره خورده است. در ساده ترین تعریف می‌توان آن را «مجموعه‌ای از ایده‌ها، تصاویر و احساسات درباره گذشته و یا مکان» تعریف می‌کند (اروین زارکا، ۲۰۰۹: ۴). بار معنایی مفهوم مکان می‌تواند باعث شکل‌گیری هویت جمعی افراد یک جامعه شود. اما امروزه شهرها خاطرات اجتماعی را به فراموشی سپرده‌اند، حتی معدود نشانه‌های این خاطرات در طول زمان به دلیل وقایع طبیعی و اقدامات بشری (مانند تخریب ساختمان‌های قدیمی، تغییر نام مکان‌ها بدلیل اقدامات دولتی و...) ممکن است از بین بروند و خاطره جمعی با مشکلاتی برای بازتولید شدن مواجه شود. گذشته از چنین موانعی در فضای اجتماعی جامعه ایران بسیاری بر این باورند که جامعه ایران جامعه‌ای است فاقد حافظه تاریخی (منظور همان حافظه جمعی است). حال اگر بر شهر تهران و هویت آن تاکید کنیم ماجرا از اهمیت دو چندانی برخوردار خواهد شد، چرا که تهران از لحاظ سابقه شهری قدمت چندانی ندارد و مهمتر این که هر روز بدلیل نادیده گرفتن مسائل اجتماعی شاهد ساخت و سازهایی بی رویه و تخریب مکان‌ها و عوض کردن نام آنها هستیم که بخشی از حافظه جمعی افراد شهر تهران است، بنابراین خاطره جمعی در شهر تهران برای بازتولید شدن و شکل دادن به هویت افراد شهر می‌تواند با موانع شدیدی روبرو باشد.

در این شرایط رسانه‌های جمعی می‌توانند یکی از منابعی باشند که با تولید و بازتولید خاطره‌های جمعی و شکل دادن به هویت افراد نقش مهمی را ایفا نمایند. رسانه‌های نوین به خاطر ویژگی‌هایی مانند تعاملی بودن، تغییر مفاهیم مکان، فضا، زمان و ارتباطات انسانی امکاناتی را در اختیار مخاطبان قرار دهد که خود در برساختن و بازتولید خاطرات جمعی نقش داشته باشند. بنابراین فضای مجازی این پتانسیل را دارد که بستری برای تولید و بازتولید خاطرات جمعی و شکل‌گیری هویت شهری باشد. بنابراین مسئله این پژوهش این است که فضای مجازی چه امکاناتی برای بازتولید خاطره جمعی و شکل دادن به هویت شهری در اختیار کاربران تهرانی قرار داده است. به عبارت بهتر از نظر کاربران تهرانی در فضای مجازی مفهوم خاطره جمعی با چه تغییراتی مواجه می‌شود؟ آیا فضای مجازی می‌تواند بستری برای نمود خاطرات جمعی شهروندان تهرانی باشد؟ برای فهم این امر با این کاربران مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته است و سپس نتایج آن با روش فن مقایسه دائمی مورد تحلیل قرار گرفته است.

چارچوب نظری پژوهش:

با معرفی مفهوم خاطره جمعی از دیدگاه هالبواکس، به اهمیت مکان و زمان در خاطره جمعی و ارتباط خاطره جمعی و فضای مجازی پرداخته شده است.

موریس هالبواکس و خاطره جمعی

فرآیند یادآوری گذشته همیشه برای مردم جذاب بوده است، چون نقش اساسی در توانایی آنها برای درک و فهم جهان داشته است. حافظه در نحوه ادراک ما موثر است و ارتباطات تنگاتنگی با عواطف و احساسات دارد (تریدمن، ۱۹۹۳: ۲۹ به نقل از داودی، ۱۳۰: ۱۳۹۱). مفهوم خاطره در علوم بیولوژیک و شناختی بیشتر به عنوان یک ظرفیت فردی شناخته می‌شود، در حالی که علوم اجتماعی از خاطره به عنوان یک پدیدار جمعی یاد می‌کنند (ویلسون، ۲۰۰۵ به نقل از حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲: ۸۰). مفهوم خاطره جمعی در رشته‌های مختلفی علوم انسانی مطرح شده است اما از این مفهوم تعریف واحد و یکسانی وجود ندارد، با این حال همه رشته‌های علوم انسانی این امر را پذیرفته اند که مفهوم خاطره جمعی را یک امر اجتماعی و فرافردی می‌دانند.

ریشه نظری مفهوم خاطره به سنت روان‌شناسی جمعی بر می‌گردد که در قرن ۱۹ میلادی تحت تاثیر افراد مانند امیل دورکیم قرار گرفت (همان). از نظر دورکیم هر جامعه ناچار از حفظ و تداوم رابطه‌اش با گذشته است، دورکیم بر اهمیت ارتباط با گذشته و نقش آن در درک هویت تاکید داشت (داودی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). پس از دورکیم هالبواکس دیدگاه‌های او را بسط داد، به عبارتی اولین بار مفهوم حافظه جمعی را هالبواکس به کار برد.

موریس هالبواکس معتقد بود که هر جامعه‌ای نیازمند حس تداوم است و برای این کار ارتباط خود را با گذشته به نمایش می‌گذارد. او معتقد به سرشت جمعی آگاهی اجتماعی بوده و از این رو اعلام می‌کند گذشته جمعی، عاملی است در جهت وحدت بخشی و بازسازی همبستگی اجتماعی در جامعه (میزتال، ۲۰۰۳: ۵۰ به نقل از مدیری و اشرفی زنجانی، ۱۳۹۲: ۴۸). وی خاطره را در پیوند با جامعه و کل حیات اجتماعی مطرح می‌کند. از نظر هالبواکس حافظه افراد به محیط اجتماعی آنها وابسته است، در جامعه است که مردم حافظه خود را می‌انبارند و همچنین در بطن جامعه است که مردم خاطره‌های خود را به یاد می‌آورند، تشخیص می‌دهند یا مکان وقوع آن را می‌یابند (هالبواکس، ۱۹۹۲: ۳۸). بر خلاف خاطره فردی

که معمولا حاصل تجربه مستقیم است، خاطره جمعی گاه حاصل مشارکت در رویدادی جمعی است و گاه از پیشینیان و تجربه‌های گذشته آنها به میراث نسل حاضر می‌رسد، اهمیت خاطره جمعی به حدی است که تاریخ یک جامعه را خاطره جمعی مردمان آن دانست، خاطره‌هایی که بر خود شهر و حتی کالبد آن نیز تاثیرگذار هستند (نیلوفر، ۲۰۰۴: ۴ به نقل از بابایی، ۱۳۹۳: ۲۲۳-۲۲۲). یکی از ویژگی‌های خاطره جمعی باید خاطره انگیز بودن آن باشد، تا بتواند در اذهان ثبت شود و باقی بماند، وقایعی که باعث برجسته شدن هویت مکانی افراد شود می‌تواند باعث خاطره انگیز شدن یک رویداد شود.

پیوند خاطره جمعی با مکان و زمان

مفهوم خاطره معمولا با مفهوم مکان گره خورده است. مکان یک مفهوم انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه اولین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است، به همین دلیل سرشار از معنا، واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی بوده و رابطه عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند (رلف، ۲۰۰۷: ۱۲۰ به نقل از مدیری و اشرفی زنجانی، ۱۳۹۲: ۴۷). مکان مفهومی بیش از موقعیت یا خاستگاه دارد و با معنا و احساسات بشری آمیخته است و همین مفهوم تفاوت میان مکان و فضا را مشخص می‌کند. به تعبیری دیگر مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت‌ها، اما فضا یک موقعیت جغرافیایی است که می‌توان آن را با مشخصات رقمی مانند طول و عرض جغرافیایی معرفی کرد (هاگو، ۲۰۰۵: ۵ به نقل از مدیری و اشرفی زنجانی، ۱۳۹۲: ۴۷). بنابراین می‌توان اظهار کرد که خاطره جمعی عاملی وابسته به مکان است، زیرا هر رویداد نیازمند بستری برای شکل‌گیری است (گلکار، ۱۳۷۸: ۳۷).

زمان هم یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر خاطره جمعی است، زیرا خاطره‌ها همواره در پیوند با گذشته هستند، خواه این گذشته دور باشد، خواه نزدیک (بابایی، ۱۳۹۳: ۲۲۵) اهمیت تاریخ وقوع یک رویداد به سبب وابستگی آن به زمان است، این اهمیت گاه به حدی است که زمان وقوع آن رویداد، خود به نمادی از آن تبدیل می‌شود و هر سال در زمانی مشابه بازنمایی می‌شود (همان).

شهر و خاطره جمعی

زیمیل، و بنیامین از جمله صاحب نظرانی هستند که دیدگاه‌های مختلفی را نسبت به شهر مطرح کرده‌اند، به عبارتی هدف اصلی همه آنها برای بیان این نکته بوده است که «شهر

چیزی بیش از بناها و چهره کالبدی آن است» (کوثری، ۱۳۹۳: ۴۶). اما در این مقاله ما به بررسی دیدگاه‌های بنیامین می‌پردازیم. کار اصلی بنیامین آن بود که نشان دهد چگونه معانی شهری به واسطه خاطره و ادراک شکل می‌گیرند (تانیکس، ۱۳۹۰: ۱۷۸: به نقل از کوثری، ۱۳۹۳: ۴۶). بنیامین به رویارویی میان فرد و محیط حسی شهر می‌پردازد به گفته تانیکس «در اینجا شهر به سادگی به عنوان پیش زمینه حوادث زندگی آشکار نمی‌شود، بلکه به عنوان عامل خاطره، مملو از معانی است که همان قدر که به خود مکان تعلق دارد، که متعلق به افرادی است که گام‌های آنها از میان آن عبور می‌کند» (تانیکس، ۱۳۹۰: ۱۷۸: به نقل از کوثری، ۱۳۹۳: ۴۶). شهرها شامل مجموعه‌ای از مکان‌ها هستند و مکان‌ها بستری هستند که در آن رویدادهای روی می‌دهند، اتفاقاتی که خود تعریف کننده مکان و تبدیل کننده فضا به مکان هستند، خاطره نیز به همین معناست، می‌توان خاطره جمعی را نقطه برخورد مقطعی از زمان، مکانی مشخص و زودیدادهای جمعی ویژه دانست (مموریا، ۲۰۰۹: ۱۱: به نقل از بابایی، ۱۳۹۳: ۲۲۵). اما این در حالی است که امروزه شهرها گویی حفظ خاطره‌های جمعی را به فراموشی سپرده اند، حتی معدود المان‌هایی که که یادآور اتفاق‌های مهم اجتماعی و تاریخی هستند نیز با جابه جایی‌ها و تغییر مکان‌ها کم رنگ شده اند، نبود نمود عینی برای تجلی خاطره جمعی به تدریج سبب می‌شود که شهروندان روز به روز از اصل خود دور شوند (بابایی، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۱۵). اگر بخواهیم خلاصه‌ای از بحث‌های خاطره جمعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن را بیان کنیم باید بگوییم، خاطره جمعی نقطه برخورد زمان، مکان و رویدادهای جمعی است که وابستگی تام به زمان و مکان دارد، از آنجایی که خاطره جمعی به نوعی مفهومی انتزاعی است برای تجلی در واقعیت نیازمند استفاده از عناصر کالبدی است، حال رسانه‌های نوین و به طور خاص فضای مجازی می‌تواند بستری برای تحقق این عناصر کالبدی باشد.

فضای مجازی و خاطره جمعی

رسانه‌های مختلف امکانات مختلفی برای اینکه چگونه خاطره بر ساخته و یا بازتولید می‌شود فراهم می‌آورند (کیتلی، به نقل از کان و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۱۵۶) همچنین بر ساخته‌های فرهنگی- اجتماعی از «امور زودگذر» با وسایل ارتباطی ما، فناوری‌ها و اشکال رسانه‌ای در ارتباط است. با کامپیوتر ساختار زمان و کارکردهای حافظه‌ای رسانه از آنالوگ به دیجیتال تبدیل شد، همراه با

وبسایتهای اینترنتی شبکه‌ای شده و وبسایتهای شبکه‌های اجتماعی، این رسانه‌ها تبدیل به پدیده‌های اجتماعی شدند که آن‌چه را اندرو هاسکینز «خاطره شبکه‌های اجتماعی» می‌نامد بوجود آورده‌اند. همانطور که هاسکینز توجه می‌دهد در این فضا نه فقط اتفاقات (خاطره، تاریخ و زمان) مستقیماً به سمت مخاطبان رسانه‌ای گسیل می‌شود؛ بلکه رسانه در تولید آن اتفاقات تا حدی وارد شده که این اتفاقات را باید در اصل رسانه‌ای دانست. در نتیجه رسانه‌های اجتماعی از بسیاری جنبه‌ها، -دستکم بطور بالقوه- امکانات ما برای تجربه کردن و اشتغال به گذشته، حال و آینده را تغییر می‌دهند (کان و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۱۵۷).

رسانه‌های اجتماعی بخصوص ابزارهای تعاملی آنلاین و نیز سیار نقش مهمی در بسیاری جنبه‌های زندگی روزمره همچون تغییر فضا، زمان، حافظه و دانش جمعی پیدا کرده‌اند. برای مثال نرم افزارهایی همچون Google Maps توسط افراد و گروهها برای خلق و به اشتراک گذاشتن روایت‌های چندرسانه‌ای درباره مکانها، تاریخهای اجتماعی شان و آینده‌های محتمل ایفا می‌کنند. و یا فیسبوک فعالیتهای ما را در شکل خط زمانی^۱ سازماندهی و نگهداری می‌کند و آن را در شبکه‌های اجتماعی به چرخش در می‌آورد. سرعت و تعداد بالای ارتباط که در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد وسعت و گستردگی محدوده‌ای را که در آن معناها مرتبط با مکان و اتفاقات مربوط به زمان گذشته می‌تواند به گردش درآمده و بازبینی شوند تغییر می‌دهد. البته همانطور که گفته شد این فناوری‌ها گسستی رادیکال به وجود نیاورده‌اند. ابداعات در رسانه‌های توده‌ای از رادیو گرفته تا ایمیل و یا سیستم اطلاعات جغرافیایی تولید، بازنمایی و گردش دانش را تغییر داده‌اند. جغرافیادانان و تاریخنگاران و دیگر محققان علاقه فراوانی به این که چگونه فناوری‌ها این تغییرات را به وجود آورده‌اند داشته‌اند. هنوز هم این علایق و توجهات تحقیقی وجود دارد. برای مثال کلی^۲ معتقد است که استفاده از ابزارهای اینترنتی تعاملی جغرافیایی همچون Localicious یا MyCity تصورات جمعی شهری ایجاد می‌کند، چرا که افراد بیشماری جابجایی‌ها، تبادلات و تعاملات، تجربیات و مشاهداتشان در شهر را با هم مبادله می‌کنند. محققان دیگر نیز بر این عقیده‌اند که این تصورات جمعی رسانه‌ای و تکنولوژیک شده، کنشهای مکانی^۳ و نیز تجربه‌های متجسم و عینی ما از چشم‌اندازها و مکانها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. برای مثال تاچر^۴ معتقد است که ابزارهای

1 Timeline
2 Kelly
3 Spatial
4 Thatcher

مکانی اینترنت^۱ و گوشی‌های هوشمند معانی (امنیت/خطر) و احساسات (امید/ترس) تولید می‌کنند و آنها را به مکان‌ها و فضاها مرتبط می‌سازند. دیگر محققان این مفاهیم دوقلوی مرتبط به هم درباره فضا و مکان را بعنوان «واقعیت تکمیل شده» متصف می‌کنند و می‌گویند اینها ادراکات و تجربیات زمانی را از طریق منقطع ساختن اتفاقات و شرایط بازنمایی شده در فضاهای مجازی (از بافت زمان واقعی شان) تغییر می‌دهند (گراهام و دیگران، به نقل از الوود و میشل، ۲۰۱۴: ۱۴۷-۱۴۸) برای مثال افراد تصاویر محله‌ها در نقشه‌های گوگل را همیشه در حالت تابستان می‌بینند، فارغ از این که عکس‌ها را در چه زمان واقعی فیزیکی بازیابی کرده باشیم. کنشهای دیجیتال مرزهای مشخص میان گذشته، حال و آینده را مبهم می‌سازند؛ همانطور که در مطالعه تاجر درباره نرم افزارهای کاربردی^۲ دیده می‌شود (الوود و میشل، ۲۰۱۴: ۱۴۷-۱۴۸).

اشتغال ما به رسانه‌های اجتماعی و فضایی^۳ نه تنها مفهوم مکان و فضا و کنشهای مکانی و نیز زمان را تغییر می‌دهد؛ بلکه این که ما چگونه خاطره را تشکیل می‌دهیم، تاریخ را می‌سازیم و به اشتراک می‌گذاریم و اینکه حتی چگونه به آن توجه می‌کنیم را نیز متأثر می‌سازد. این علاوه بر آن است که تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال فضایی برای تولید بایگانی‌هایی ویژه و بادوام برای خاطرات هستند. فناوری‌های دیجیتال نه فقط در اینکه ما چگونه امور را به یاد می‌آوریم بلکه در اینکه چگونه فراموش می‌کنیم هم موثرند. (الوود و میشل، ۲۰۱۴: ۱۴۷-۱۴۸) مک ایون و شفر حتی پروفایل‌های شخصی فیسبوک را از آنجا که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود، به خاطره جمعی مرتبط می‌دانند (۲۰۱۳: ۶۵). آرتور درباره نقش فضای مجازی در دوران پس از بحران نشان می‌دهد محیط بهم پیوسته شبکه جهانی وب بنحوی مناسب برای تسهیل فرایند بازگویی و روایت کردن، گوش سپردن و به اشتراک گذاشتن که عنصر پایه‌ای برای تسکین، با هم بخاطر سپاری و نیز تشکیل اجتماعات پس از بحران است فراهم می‌آورد (آرتور، ۲۰۰۹).

روش تحقیق:

1 pedestrian routing applications

2 pedestrian routing applications

3 spatial

در این تحقیق از روش کیفی استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های عمقی ساخت نیافته جمع آوری شده است. ما با مردم به این علت مصاحبه می‌کنیم تا در مورد آن‌ها به چیزهایی برسیم که مستقیماً نمی‌توانیم مشاهده کنیم. ما نمی‌توانیم احساسات، تفکرات و منظورها را مشاهده کنیم. لذا هدف از مصاحبه اجازه برای ورود به چشم اندازه‌های دیگران است (اسکیمنت به نقل از منتظر قائم و فغانی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). و البته با توجه به این که مصاحبه‌های عمقی با یک نمونه غیر تصادفی آغاز به کار می‌کنند، نمی‌توان نتایج آن را به گروه‌های بزرگتر تعمیم داد. در این تحقیق با ۲۸ نفر از دانشجویان تهرانی دانشگاه تهران کاربر فضای مجازی مصاحبه عمقی نیمه ساخت یافته انجام شده، و سپس برای تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها از «فن مقایسه دائمی» استفاده شده است (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۱۶۶). این فن از چهار مرحله تشکیل شده است: ۱- مقایسه و قرار دادن داده‌ها در دسته‌های معین ۲- تدقیق و پالایش دسته‌ها ۳- جست و جو برای یافتن انواع روابط و مضمون‌های مشترک میان دسته‌ها و ۴- ساده کردن و ترکیب داده‌ها در یک ساختار نظری منسجم (همان).

یافته‌های تحقیق

در بخش یافته‌های تحقیق با توجه به الگوی فن مقایسه دائمی که در بخش روش تحقیق ذکر شد، یافته‌های تحقیق در دسته‌هایی که از تحلیل یافته‌ها استخراج شده (شامل موارد فرا مکانی شدن خاطره جمعی، سهولت در اجتماعی شدن خاطره، افزایش ماندگاری و خصلت به یادماندنی بودن وقایع، فرازمانی شدن خاطرات، بازتولید تخصص‌های گروهی در فضای مجازی، فضای مجازی بستری برای مدنیت و سرزندگی جامعه) ذکر شده است و برای هر دسته شواهد لازم از مصاحبه‌های عمقی انجام شده آورده شده است.

فرا مکانی شدن خاطره جمعی: همانگونه که در ادبیات نظری پژوهش بیان شد، مفهوم مکان یکی از مهمترین مفاهیمی است که در خاطره جمعی دارای اهمیت است، به این معنا که خاطره جمعی باید دارای بعد مکانی باشد. اما فضای مجازی یک فضای بی‌مرز است. بی‌مرز بودن این فضا اجازه نمی‌دهد که آن را همچون فضای فیزیکی که قابل اندازه‌گیری است، اندازه‌گیری کنیم. با توسعه ظرفیت مکان به «فضا» و تمایز بین زمان کند و زمان سریع و یا به عبارتی «همزمانی انتقال» تفاوت مهمی میان فضای واقعی و مجازی به وجود می‌-

آید(عاملی، ۱۳۹۰: ۲۷) حال با توجه به تغییراتی که برای مفهوم مکان در عرصه فضای مجازی رخ داده است، مفهوم خاطره جمعی نیز دستخوش تغییر شده است. به عنوان مثال یکی از مصاحبه شوندگان نظر خود را در مورد امکانات فضای مجازی برای هویت شهری خود و خاطرات جمعی این گونه بیان می‌کرد:

«شاید در حال حاضر به نسبت چند سال پیش که دسترسی به اینترنت نداشتیم، خاطرات بیشتری از شهر تهران دارم، منظورم این است که وقتی در اینترنت(چه در شبکه‌های اجتماعی، چه در سایت‌های خبری) خبری در مورد حوادث و اتفاقات تهران می‌خوانم، اگر قبلاً حتی یک بار هم از آنجا گذر کرده باشم احساس می‌کنم، خودم آن حادثه یا اتفاق را دیده‌ام و به گونه‌ای ذهن من را درگیر خود میکند خصوصاً اگر خبر یا مطلبی که می‌خوانم عکس‌هایی از آن محل هم داشته باشد. منظورم این است که از وقتی که به اینترنت دسترسی دارم و در فضای آن می‌گردم به نسبت قبل از آن، خبرهای بیشتر توجه من را جلب میکند و احساسات من را درگیر می‌کند، حتی زمانی که در تهران هم نیستم و از طریق اینترنت خبرها را پیگیری می‌کنم همان احساس را دارم». (احمد، ۲۳ ساله، ساکن منطقه صادقیه تهران)

با اندکی تامل می‌توان گفت پیوستگی زمان و مکان تحت تاثیر فضای مجازی از بین رفته است و افراد به راحتی می‌توانند با رویداد یا اتفاقی همذات پنداری کنند که در آن حضور نداشته‌اند، اگر چه برای جمعی بودن یک خاطره لزومی نیست که حتماً افراد آن رویداد را در آن مکان تجربه کرده باشند، اما فضای مجازی اهمیت بعد مکانی خاطره جمعی را بسیار کاهش داده است، به گونه‌ای که افراد بلافاصله بعد از وقوع یک رویداد به راحتی می‌توانند خود را در آن رویداد سهیم بدانند و این مسئله برای آن به یک خاطره جمعی (با دیگران مشابه خودش) تبدیل شود.

این نفی فاصله‌های مکانی در موضوع خاطره جمعی در فضای دیجیتال چیزی است که حتی هویت شهری را برای افراد خارج از حیطه جغرافیایی آن شهر امکانپذیر می‌نماید. برای مثال یکی از پاسخگویان می‌گوید:

«برادرم از کانادا در همه بحث‌های مربوط به اتفاقات شهر تهران در فضای فیسبوک با ما همراه است. این علاقه اش به موضوعات برای من عجیب است. بخصوص با توجه به تفاوت زمانی!» او ادامه می‌دهد:

«در این سالهای اخیر تصور می‌کنم که همان حسی که من نسبت به وقایع گذشته شهر دارم او هم دارد. برادرم خیلی دیر به دیر به ایران سر می‌زند. اما هر روز در فیسبوک با دوستان تهرانی در ارتباط است. وقتی در ایران با دوستانش ملاقات می‌کند و با آنها صحبت می‌کند انگار که در بعضی وقایع با آنها همراه بوده است.» (زهره، ۳۰ ساله، ساکن منطقه پیروزی)

سهولت در اجتماعی شدن خاطره: یکی از مهمترین ابعاد خاطره جمعی این است که با افزایش تعداد افرادی که می‌توانند خاطره را به یاد بیاورند خاطره از خصلت فردی خارج و بر خصلت اجتماعی بودن آن افزوده می‌شود، مک ایون و شفر حتی پروفایلهای شخصی فیسبوک را از آنجا که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود، به خاطره جمعی مرتبط می‌دانند. (۲۰۱۳، ص ۶۵). بر این اساس حتی خود کاربر در ارتباط با دیگران ساخته شده و می‌تواند جزئی از خاطره جمعی گروههای خرد باشد. کناره‌گیری و جدا شدن خاطره از امر ملی باعث شده است تا کسانی به چرخش «جهانی»^۱ در مفهوم خاطره جمعی اشاره کرده و بگویند که پیوستگی میان امر ملی و خاطره جمعی از بین رفته و بیشتر در فضای جهانی و فراملی توجه تحقیقاتی نسبت به خاطره جمعی وجود دارد. در همین حال کسانی همچون بنکлер به مشارکت بیشتر خود افراد در اثر فضای مجازی اشاره می‌کنند (به نقل از دیرنوت، ۲۰۱۱: ۳۷۲-۳۷۱). یعنی عوامل اجتماعی در خردترین سطح در بساخت و تشکیل خاطره جمعی نقش فعال دارند.

این نکته به خوبی در سخنان مصاحبه‌شوندگان قابل مشاهده بود، یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد می‌گفت:

«من در گذشته (زمانی که به نت دسترسی نداشتم) اگر اتفاقی برای خود من یا دیگران در امکان عمومی روی میداد، امکان به اشتراک گذاشتن این اتفاق بسیار کم بود، اگه بخوام با مثال بیان کنم منظورم رو، باید بگم مثلا اگر قبلا مردی برای من دختر مزاحمتی ایجاد می‌کرد یا مثلا در وسایل حمل و نقل عمومی اتفاق جالبی می‌افتاد (جنبه اجتماعی می‌داشت) در همون مکان تموم می‌شد شایدم با نقل شفاهی به چند نفر دیگر منتقل می‌شد ولی امروزه اگر کوچک ترین اتفاقی بیافتاد به راحتی می‌توان آن را به شبکه‌ای اجتماعی مجازی منتقل کرد و افراد دیگر را هم در آن سهیم

کرد، نمی دونم تا چه اندازه تونستم منظورم رو برسونم اگه بخوادم ساده بگم اینجور میگم که با امکاناتی که اینترنت در اختیار ما (شهروندان تهرانی) قرار داده است به راحتی می‌توانیم تجربه ناهنجاریهای شهرمون رو به باهم به اشتراک بگذاریم» (صدف، ۲۷ ساله ساکن منطقه جنت آباد)

در این فضا خاطره محلی در معرض تبدیل به خاطره جهانی است، و خاطره جهانی می‌تواند خاطره‌ای برای یک فرد باشد. البته مصادیق فراوانی از اتفاقات فردی می‌توان یافت که بواسطه فضای مجازی تبدیل به جزئی از خاطره جمعی افراد شده اند؛ اتفاقاتی که در فرض وجود نداشتن فضای مجازی به عنوان اموری مربوط به زندگی خصوصی افراد در حیطه فردی باقی مانده و تبدیل به موادی برای خاطره جمعی نمی شدند. اما در میان مصاحبه‌ها نیز آنچنانکه گفته شد مواردی یافت می‌شد.

افزایش ماندگاری و خصلت به یادمانی بودن وقایع: زمان در معنای فیزیکی آن موضوع «مرگ و زندگی» است ولی در بستر مجازی موضوع «زندگی-زندگی» است. (عاملی، ۱۳۹۰: ۳۸) خود وقایع تاریخی درگیر منطق زمان فیزیکی هستند و در عین حال درون آن قرار دارند ولی روایت‌های تاریخ و تصویر تاریخ اموری ماندگارند. به همین دلیل است که زمان در فضای مجازی گرفتار مرگ نمی‌شود و دائماً «زندگی تقویت شده» و «حیات مضاعف» تولد می‌یابد. بر همین مبناست که حافظه در جهان فیزیکی با حافظه در جهان مجازی ظرفیتهای کاملا متفاوتی دارند، چون امر ذخیره سازی در جهان مجازی ظرفیتی غیرقابل مقایسه با ظرفیت ذخیره سازی در جهان فیزیکی دارد (همان).

یادآوری یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری خاطرات جمعی است، حال فضای مجازی به خاطر ویژگی‌هایی چون دسترسی همه کاربران به محتواهای منتشر شده در آن باعث بهبود شکل‌گیری خاطرات جمعی می‌شود، البته در گذشته وقایع یا سینه به سینه نقل می‌شدند یا در بهترین حالت به صورت مکتوب به نسل‌های بعدی منتقل می‌شدند که در هر دو حالت مشکلات فراوانی برای به یادآوردن آنها وجود داشت، به عنوان مثال اگر خاطره‌ای یا حادثه‌ای در یک کتاب درج می‌شد با توجه به این که این کتاب همزمان و در همه جا در دسترس مخاطبان نیست احتمال به یادآوری آن کاهش می‌یابد اما امروزه فضای مجازی این امکان را به

ما داده است که در هر زمانی و در هر مکانی راجع به وقایع اطلاع کسب کنیم و با رویدادهای گذشته را به یاد بیاوریم، این مسئله را یکی از مصاحبه شونده‌گان این گونه بیان می‌کرد:

«اگر در گذشته رویدادی جالبی را تجربه می‌کردم، بعد از گذشت زمان آن را فراموش می‌کردم، اما اینترنت و فضای مجازی به من این امکان را می‌دهد که هر اتفاق جالبی را که تجربه می‌کنم بعدها یا هر زمانی که خودم بخواهم با یک جستجوی ساده در گوگل به آن اتفاق یا حادثه دسترسی پیدا کنم و آن را به خود یادآوری کنم» (رامتین، ۲۰ ساله، ساکن شهرک ولیعصر تهران).

یا یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان می‌گفت:

« من به خاطر علاقه خاصی که به تاریخ دارم معمولاً در فیسبوک خودم وقایع تاریخی و درس‌هایی که از آن باید گرفت را به دوستانم یادآوری می‌کنم، مثلاً من همیشه در سالگرد انقلاب مشروطه یا کودتای ۲۸ مرداد چند جمله کوتاه در فیسبوک خود می‌نویسم، البته اینترنت این امکان را به من می‌دهد که هر گاه لازم شد وقایع روز کشور را به وقایع تاریخی گذشته پیوند بزنم و با برقراری ارتباط و پیوند میان آنها، از دوستانم بخواهم که حافظه تاریخی داشته باشند و نسبت به مسائل کشور بی تفاوت نباشند، شاید اگر شبکه اجتماعی مجازی نبودند من به ندرت دست به این اقدامات می‌زدم..... البته من همواره از مشکلات زنان در شهر تهران هم می‌نویسم و تجربه‌های خود به عنوان یک زنان را با دیگران به اشتراک می‌گذارم، چرا که می‌دانم اینها فقط مشکلات من نیست بلکه مشکلات سایر هم جنس‌های من هم هست». (نسیم، ۳۴ ساله ساکن منطقه یوسف آباد تهران)

البته بعضی از مصاحبه شونده‌گان نیز از بی حافظه گی جامعه گلایه می‌کردند و بر این باور بودند که فضای مجازی هم نمی‌تواند کمک چندانی به شکل‌گیری عقلانیت در جامعه ما بکند، ولی با همه این انتقادات فضای مجازی می‌تواند برای بهبود حافظه تاریخی جامعه ما مناسب باشد. به عنوان مثال ایرج می‌گفت:

«بنظرم فضای مجازی فرصت بسیار مناسبی در اختیار ما قرار داده است تا جامعه ما را از این بی حافظه گی نجات دهیم، اما بنظر من مردم ما در هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده اند و از این لحاظ فضای مجازی هم چندان موثر نیست، منظورم این که یادآوری اتفاقات و تجربه‌های گذشته در فضای مجازی

کمک چندان به عقلانی شدن روندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها در کشور نمی‌کند، با همه این اوصاف بنظرم فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در نهایت می‌توانند برای افزایش حافظه تاریخی جامعه ما موثر باشند... بنظر من تهران یک شهر بی هویت است» (ایرج ۲۹، ساکن منطقه گیشا تهران).

فرازمانی شدن خاطرات: همانگونه که در ادبیات پژوهش گفتیم زمان نیز یکی از مولفه‌های مهم خاطره جمعی است، با توجه فشردگی زمان مجازی، غیر خطی شدن آن، حضور موازی و هندسی زمان، دیجیتالی شدن زمان (عاملی، ۱۳۸۹) مفهوم خاطره و بعد زمانی آن نیز تغییر می‌کند، به عبارتی اگر در گذشته در یک مکان بودن نیازمند همزمانی و هم مکانی بود، با گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی این رابطه از بین رفته است بنابراین برای یادآوری یک مکان خاص نیاز به همزمانی نیست. به عنوان مثال میترا در این باره می‌گفت:

«فضای مجازی این امکان را به ما می‌دهد که بتوانیم وقایع تاریخی را یادآوری کنم به دوستانم، منظورم این است که اینترنت کمک بسیار بزرگی برای یادآوری اتفاقات و وقایع مهم گذشته کشور و حتی مسائل حال حاضر است. می‌خوام بگم با افزایش استفاده از اینترنت محدودیت‌های زمانی برای برجسته کردن مسائل اجتماعی و تاریخی تا حدود زیادی از بین میره» (میترا، ۲۰ ساله ساکن منطقه منیریه تهران).

بازتولید خاطره تخصص‌های گروهی در فضای مجازی: یکی از مولفه‌هایی که مصاحبه شونده‌گان به آن اشاره می‌کردند این بود که فضای مجازی به بستری برای بازتولید تخصصات سیاسی تبدیل شده است و این مسئله در طولانی مدت می‌تواند در اذهان انباشته شود، به عنوان مثال یکی از مصاحبه شونده‌گان می‌گفت:

«بنظر من فضای مجازی باعث دامن زدن به مسائلی می‌شود که مانع یکپارچگی در جامعه است، شما ببیند نقش فضای مجازی و شبکه اجتماعی در شکافی که در کشور در سال ۸۸ بوجود آمد چه بوده است، بنظرم فضای مجازی و به طور کلی تکنولوژی بیش از آن که به آرام بودن جامعه و عقلانی بودن آن کمک کند، باعث تنش و درگیری و برجسته شدن تضادها در جامعه می‌شود و خاطرات تنش برانگیز گروه‌های مختلف را مدام بازتولید می‌کند» (محمدرضا، ۲۴ ساله ساکن منطقه جوادیه تهران)

فضای مجازی بستری برای خاطرات فعالیت مدنی و سرزندگی جامعه: البته در مقابل کسانی هم بودند که بر این باور بودند که فضای مجازی با زنده نگهداشتن تجارب جمعی

سیاسی در شهر تهران می‌تواند باعث افزایش خصلت مدنیت در شهر تهران شود، به این معنا که فضای مجازی می‌تواند یک بستر برای حوزه عمومی باشد، چرا که بازتولید خاطرات جمعی در این فضا می‌تواند باعث شکل‌گیری گفت و گو در میان شهروندان شود، به عنوان مثال علی بر این باور بود که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تقویت جامعه مدنی و شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی می‌شوند، وی می‌گفت:

«بنظر من فضای مجازی بستری است برای زنده نگهداشتن تجارب ارزشمند جمعی در شهر تهران، چه این تجربه مسائل سیاسی و انتخاباتی باشد چه این تجربه بزرگداشت مرحوم مرتضی پاشایی باشد، بنظر من فضای شبکه‌های اجتماعی در نهایت می‌تواند باعث عقلانی شدن امور در جامعه بشود، منظورم این‌که می‌تونه مردم رو بهم نزدیک کنه و این‌که در مواقع لازم عقلانی تصمیم بگیرند و مهمتر از همه این‌که باعث سر زنده بودن جامعه بشود» (علی، ۲۴ ساله ساکن حکیمه تهران).

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که در بخش نظری مقاله ذکر شد، در رشته‌های علوم انسانی ضمن اذعان به ابعاد فردی مفهوم خاطره، از آن به عنوان مفهومی اجتماعی و جمعی یاد می‌شود. بر این اساس خاطره جمعی تلاقی سه مفهوم، زمان، مکان و رویداد جمعی است، با توجه به این ابعاد می‌توان گفت خاطره جمعی برای هر جامعه‌ای از اهمیتی اساسی برخوردار است به گونه‌ای که از خاطره جمعی به عنوان تاریخ یک جامعه یاد می‌شود، با اندکی تامل می‌توان پی برد که مفهوم خاطره با مفهوم شهر گره خورده است چرا که شهر مجموعه‌ای از مکان‌هاست که در آن رویدادهای مختلف روزمره اتفاق می‌افتد؛ رویدادهایی که جنبه‌های اجتماعی و جمعی آنها بر جنبه‌های فردی آنها غالب است، بنابراین می‌توان گفت شهر بستری است برای شکل‌گیری و از بین بردن خاطرات جمعی، بر این اساس ما به مفهوم خاطره جمعی در جامعه ایران توجه کردیم، سپس با توجه به وضعیت متفاوت شهر تهران در جامعه ایران به این شهر توجه کردیم. برای فهم مسئله خاطره جمعی ابتدا ابعاد نظری این مفهوم را از دیدگاه موریس هالبواکس تشریح کردیم و در ادامه به اهمیت آن برای شکل‌گیری هویت شهری پرداختیم و در نهایت به نقش رسانه-ها (به طور خاص فضای مجازی) در برساخته شدن و بازتولید خاطرات پرداختیم.

یافته‌های این تحقیق حکایت از آن دارد که با توجه به محدود شدن حفظ خاطرات جمعی در فضای شهر تهران، رسانه‌های جمعی و به طور خاص فضای مجازی امکاناتی را برای کاربران تهرانی فراهم می‌کند که مفهوم خاطره جمعی را دچار تغییر بنیادین می‌کند، به این معنا که فضای مجازی با فرامکانی کردن خاطرات، فرا زمانی کردن خاطرات، تسهیل اجتماعی شدن خاطرات، افزایش خصلت ماندگاری و دوام خاطرات، فضای مجازی به عنوان بستری برای فعلیت‌های مدنی (یکی از ویژگی‌های خاطره جمعی کمک به مدنیت جامعه است) و البته به اعتقاد بعضی از کاربران فضای مجازی می‌تواند به بستری برای بازتولید و برجسته شدن تخصص‌های گروهی و سیاسی باشد. از نظر مصاحبه شوندگان با توجه به این که در افکار عمومی جامعه، مردم ما بر این مسئله تاکید دارند که جامعه ایران و به طور خاص شهر تهران فاقد حافظه جمعی و تاریخی است، گزاره درستی نیست چرا که امروزه با گسترش روز افزون دسترسی به اینترنت و افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی این امکان فراهم شده است که خاطرات به سرعت از بعد فردی خارج شوند و دارای خصلت اجتماعی و جمعی شوند و البته با توجه به فرامکانی شدن، فرا زمانی شدن و افزایش خصلت ماندگاری خاطرات جمعی در فضای مجازی، می‌توان گفت که فضای مجازی می‌تواند بستری برای برساخته شدن و بازتولید خاطرات جمعی در شهر تهران باشد و به گونه‌ای باعث تقویت هویت شهری شهروندان تهرانی شود.

منابع

- بابایی، مرجان (۱۳۹۳). بازنمایی شهر تهران در تلویزیون: نقش هنر همگانی در بازنمود خاطره جمعی، در کتاب شهر، رسانه و روزمره، گردآوری و تدوین مسعود کوثری، تهران: تیسرا.
- حسینی کومله، مصطفی و ستوده علمباز، فاطمه (۱۳۹۲). نقش خاطره جمعی در باز زنده سازی بافت های شهری: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان، فصلنامه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸ شماره ۴، صص ۷۹-۹۳
- داودی، علی اصغر (۱۳۹۱). نقش حافظه جمعی در بروز منازعات قومی، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۳۷، صص ۱۵۲-۱۳۰
- کوثری، مسعود (۱۳۹۳). شهر، رسانه و بازنمایی زندگی روزمره، در کتاب شهر، رسانه و روزمره، گردآوری و تدوین مسعود کوثری، تهران: تیسرا.
- مدیری، آتوسا و اشرفی زنجانی، آلاله (۱۳۹۳). باز زنده سازی خاطرات جمعی در بازسازی پس از بلاهای طبیعی و... با تکیه بر هویت مکان، فصلنامه مسکن و روستا، شماره ۱۴۵ صص ۶۲-۴۵
- Corning, A. D. (2010). Emigration, generation, and collective memories: The presence of the past for emigrants from the former Soviet Union. *Social Psychology Quarterly*, 73(3), 223-244.
- Drinot, P. (2011). Website of memory: The War of the Pacific (1879-84) in the global age of YouTube. *Memory Studies*, 4(4), 370-385.
- Elwood, S., & Mitchell, K. (2015). Technology, memory, and collective knowing.
- Zarecka, I. I. (۲۰۰۹). *Frames of remembrance: The dynamics of collective memory*. Transaction Publishers.
- Kaun, A., & Stiernstedt, F. (2014). Facebook time: Technological and institutional affordances for media memories. *New Media & Society*, 16(7), 1154-1168.
- Keith, S. (2012). Forgetting the last big war: Collective memory and liberation images in an off-year anniversary. *American Behavioral Scientist*, 56(2), 204-222.
- McEwen, R. N., & Scheaffer, K. (2013). Virtual mourning and memory construction on Facebook: Here are the terms of use. *Bulletin of Science, Technology & Society*, 33(3-4), 64-75.

- Olick, J. K. (2008). 'Collective memory': A memoir and prospect. *Memory studies*, 1(1), 23-29.
- Pentzold, C. (2009). Fixing the floating gap: The online encyclopaedia Wikipedia as a global memory place. *Memory studies*, 2(2), 255-272.